

آغازین سخن

«قرآن کریم»، کتابی است جهان شمول که به منظور هدایت تمام انسان‌ها، از سوی خداوند عالی و حکیم، بر پیامبر هادی و امین نازل شده است. قرآن به گونه‌ای با مردم سخن می‌گوید که همگان از فهم آن بهره و نصیبی دارند.

پروردگار سبحان، به منظور جذب تمام مردمی که در پهنه‌ی زمین و گستره‌ی زمان به سر می‌برند، قرآن را کتابی آسان و قابل فهم معرفی می‌کند: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» [قمر / ۱۷].

آسان بودن قرآن بدین معنا نیست که کتابی سبک و بی مغز است، بلکه در عین داشتن مطالب عالی و جامع، به علت هماهنگی و سازگاری با فطرت تمام انسان‌ها، امکان فهم و بهره‌مندی از آن برای همگان میسر است. لذا اهل بیت (ع) در سیره‌ی خود، عموم مردم را به بهره‌گیری از آیات این کتاب فراخوانده‌اند و برای آن که مبادا افراد نسبت به قرآن دچار سوءفهم شوند، با تعابیر گوناگون نسبت به آفت‌ها و آسیب‌های فهم این کتاب هشدار داده‌اند.

این نوشتار درصدد است، آسیب‌هایی را که مانع فهم آیات الهی می‌شوند، به قرآن پژوهان گوشزد کند تا قرآن کریم آن گونه که شایسته است، مورد فهم و تبیین قرار گیرد.

قرآن فراتر از زمان، مکان و نسل‌ها

♦ اسماعیل نساجی زواره
دبیر دبیرستان‌های اصفهان

۱. تفسیر به رأی

این اولین عامل آسیب‌زا در فهم صحیح آیات قرآن است. قرآن پژوه بدون توجه به گفتار و روایات معصومین (ع)، پیشداوری‌ها و آرای خود را اساس کار قرار دهد و آیات متشابه را براساس آن تفسیر و تطبیق کند و درحقیقت شاگرد قرآن نباشد، بلکه معلم قرآن باشد و نظریات خود را بر قرآن تحمیل کند. این گونه تفسیر، نوعی تحریف معنوی قرآن محسوب می‌شود. تفسیر به رأی، اگر نتیجه‌اش هم درست باشد، کاری خطاست [حداد عادل، ۱۳۷۵، ج ۷: ۶۲۵].

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، حقیقت تفسیر به رأی را این گونه بیان می‌کند: «اعتقادی که از روی اجتهاد و تلاش به دست می‌آید و یا از روی هوا و هوس برای انسان حاصل می‌شود، رأی نام دارد و تفسیر به رأی آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می‌کند، آیات الهی را نیز همان گونه بررسی نماید» [طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۷۶].



۲. بسنده کردن به قرآن

برخی از مفسران و قرآن پژوهان، در فهم قرآن نسبت به منابع دیگر، کم توجه یا بی توجه بوده اند و فقط می خواهند با بهره گیری از آیات قرآن به فهم معارف آن نایل آیند، در حالی که فهم کامل قرآن، با کاوش در همه ی منابع و استنباط از تمامی ادله و قراین شکل می گیرد. استفاده از یک منبع و وانهادن دیگر منابع، در واقع از دست دادن زمینه های لازمی است که در فهم قرآن سرنوشت سازند و از آن جا که برخی توصیفات و قرینه ها تنها در روایات آمده اند و هیچ راهی برای فهم آن ها از قرآن نداریم، بسنده کردن به قرآن، راه فهم صحیح بخشی از قرآن را بر قرآن پژوهان می بندد.

۳. غفلت از روایات

سومین عاملی که مانع فهم صحیح آیات قرآن می شود، غفلت از روایات است. به دلیل پیوندی که پیامبر اعظم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) با قرآن دارند، سخنان آن بزرگواران همواره مورد استفاده ی مفسران و قرآن پژوهان بوده است. بنابراین، ناآگاهی از روایات معصومین (ع) یا استناد نکردن به آن ها در تفسیر، خود یکی از آسیب های بزرگ فهم صحیح قرآن است. زیرا در بسیاری از موارد، بدون توجه و تمسک به روایات، مقصود و مراد واقعی آیات برای قرآن پژوه روشن نخواهد شد.

امام باقر (ع)
می فرماید: شخصی





نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! آبی برای غسل کردن نیافتم. حضرت (ص) فرمود: پس چه کردی؟ عرض کرد: روی خاک غلتیدم. پیامبر (ص) فرمود: این کار درازگوشان است. خداوند متعال می فرماید: «... فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً...» [نساء / ۴۳].

آن گاه پیامبر (ص) دستانش را زمین زد و تیمم کرد [بحرانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۲۴] و بدین گونه تیمم را تفسیر کرد.

راستی! اگر به چنین روایتی از امام باقر (ع) توجه نمی کردیم، چگونه این آیه ی شریفه را معنا می کردیم؟ هم چنین، وقتی لفظ قرآنی بین دو یا چند معنا مشترک باشد و مراد واقعی را نتوانیم تشخیص دهیم، برای روشن شدن آیه، ناچاریم به قول پیامبر (ص) یا امامان معصوم (ع) تمسک جویم.

۴. بی توجهی به آیات دیگر

آیات الهی اگرچه کلماتی جدا و منفصل از یکدیگر هستند، ولی در عین حال، کلامی متصل و مربوط به یکدیگرند. یعنی برخی از آیات، برخی دیگر را توضیح می دهند. بنابراین، راه صحیح فهم کلام الهی، تدبر و ملاحظه ی آیات مربوط به یک موضوع است.

یکی از مهم ترین ویژگی های قرآن این است که نمی توان آیات آن را بریده از آیات دیگر تفسیر و معنا کرد. حضرت علی (ع) می فرماید: «... ان الكتاب يصدق بعضه بعضاً و انه لا اختلاف فيه. فقال سبحانه: (ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً...)» [دستی، ۱۳۷۹: ۶۴]. بعضی از آیات قرآن بعضی دیگر را تأیید و تصدیق می کند و اختلافی در آن نیست. پس خداوند سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل شده بود، اختلافات زیادی در آن می یافتند.

روایت شده است که امام جواد (ع) در تفسیر قطع دستان دزد و کیفیت آن، در آیه ی شریفه ی «و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما...» [مائده / ۳۸] فرمود: قطع دست باید از بیخ مفصل انگشت باشد و کف دست آسیب نبیند. وقتی علت را جوینا شدند، آن حضرت (ع) به فرمایش رسول خدا (ص) تمسک جست که می فرماید: سجده بر هفت عضو انجام می گیرد: پیشانی، دو دست، دو زانو و انگشتان بزرگ پا. اما هنگامی که دست از میج پا یا آرنج قطع شود، دستی برای سارق باقی نمی ماند تا با آن سجده کند. در حالی که خدای متعال فرموده است: «و ان المساجد لله فلا تدعوا

مع الله احداً» [جن / ۱۷]: منظور از «مساجد» در این آیه، اعضای هفت گانه ی سجده است.

به هر حال، اگر کسی یک آیه از قرآن را فهمید، ولی به آیات دیگر توجه نکرد، نه تنها به عمق معنای آیه ی اول نرسیده، بلکه مفهوم نادرستی از آیه را به دست آورده است. آیات قرآن اگر به صورت جمعی و در کنار یکدیگر فهمیده شوند، معنا و مفهوم روشن و جامعی را افاده می کنند.

محققان و مفسران بزرگ در این زمینه می فرمایند: «برخی از آیات که به حسب فکر ابتدایی انسان مبهم به نظر می رسند، آیات دیگر را روشن می کنند. قرآن کریم نوری است که برخی از آیاتش در پرنوری مانند خورشید و برخی چون ماه و برخی مانند ستارگان است؛ آیات پرفروغ تر قرآن، آیات کم فروغ را روشن تر می سازد و همگی در کنار هم فضای کاملاً روشنی را برای هدایت انسان به ارمغان می آورند» [جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۹۵].

۵. بی توجهی به قوانین تفسیر

بدون تردید هر متن دینی و علمی، اصول، اصطلاحات و زبان خاص خود را داراست که در نظر نگرفتن آن اصول و معیارها، مایه ی بدفهمی از آن متن خواهد شد. تفسیر و فهم قرآن، پیش از هر چیز به فهم دقیق زبان و ادبیات عرب، شناخت اصول کلی حاکم بر بیان معارف قرآن و بازشناسی علوم قرآنی نیاز دارد. بی توجهی به این قانون ها می تواند، هرج و مرج زیادی در کار تفسیر و فهم آیات پدید آورد و سبب لغزش قرآن پژوه شود.

۶. غفلت از انطباق در قرآن

یکی دیگر از آسیب های فهم قرآن، غفلت از انطباق آیات الهی با تمام اعصار و نسل هاست. به این معنا که آیات قرآن تنها برای مردم خاصی و در زمان خاصی نازل نشده است، بلکه این کتاب تا قیام قیامت، بشریت را به سوی سعادت ابدی رهنمون می سازد.

خداوند سبحان محتوا و قالب معجزه ی جاوید خود، قرآن را به گونه ای تنظیم کرده که همیشه سفره و مآذبه ای باشد تا همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند و از نعمت های معرفتی آن استفاده برند. تاریخ قرآن نشان می دهد، این کتاب در هر زمانی، معارف جدیدی به روی متفکران گشوده و میوه های بهشتی معرفتش در هر عصری، صاحب نظران

مستعد را تغذیه می کند.

از امام صادق (ع) سؤال شد، چرا هر چه زمان می گذرد و آیات قرآن تکرار می شود، تازگی این کتاب بیش تر می شود؟ آن حضرت (ع) فرمود: «زیرا خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت و مردم خاصی نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است و در نزد تمام مردم تا روز قیامت شیرین و پر جاذبه است» [مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹: ۱۵].

بنابراین، قرآن کتابی است همگانی و همیشگی که بر گذشته و آینده، مانند حال منطبق می شود. مثلاً آیاتی که در شرایط خاصی برای مؤمنان زمان نزول، تکالیفی را تعیین می کنند، برای مؤمنانی که پس از عصر نزول دارای همان شرایط هستند، بی کم و کاست همان تکالیف را تعیین می کنند و آیاتی که صاحبان صفاتی را ستایش یا سرزنش می کنند یا مژده می دهند یا می ترسانند، کسانی را که به آن صفات متصف هستند، در هر زمان و در هر مکان که باشند، شامل می شوند.

۷. ناآگاهی از دانش های مورد نیاز

کسی که در پی فهم قرآن است، به دانش هایی نیاز دارد که بدون آگاهی از آن ها، راه به جایی نمی برد. دانش های مورد نیاز در فهم صحیح آیات قرآن از این قرارند:

الف. دانش های ادبی: قرآن به زبان عربی است. بنابراین، دانش های وابسته به آن، در فهم آیاتش مورد نیاز است؛ دانش هایی مثل: صرف، نحو، فقه اللغة، معانی و بیان، و آشنایی با اشعار معاصر نزول قرآن. به هر اندازه که قرآن پژوه از دانش های یاد شده بی بهره باشد، به همان مقدار در فهم قرآن ناتوان است؛ اگرچه در دانش های دیگر استاد و صاحب نظر باشد.

ب. دانش های قرآنی: این نوع دانش، برخی از ویژگی های آیات قرآن از قبیل: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تاریخ قرآن، شأن نزول، مکی و مدنی، و مطلق و مقید را بررسی می کند و قرآن پژوه و مفسر با استفاده از این علوم می تواند به معنای واقعی بسیاری از آیات قرآن برسد. مثلاً کسی که از بحث «متشابه» غافل باشد، به معنای ظاهری آیات متشابه بسنده کرده و با اعتقاد به آن، در فهم این گونه آیات ناتوان است و چنین می پندارد که بعضی از آیات قرآن، با بعضی دیگر در تعارض هستند. کسی که به معنای ظاهری

«الی ربها ناظرة» [قیامت / ۲۳] توجه کند، در فهم آیه ی «... لاتدرکه الابصار...» [انعام / ۱۰۳] متوقف خواهد شد. بر اثر همین ناآگاهی ها بود که افرادی در صدر اسلام مدعی وجود تناقض و اختلاف در قرآن شدند. غافل از آن که با آیات متشابه قرآن، باید به شیوه ی صحیح برخورد کرد.

ج. دانش های دینی: از دیگر دانش هایی که در فهم قرآن دخیل هستند، دانش های مربوط به دین شناسی را می توان نام برد. این دانش ها دو دسته هستند: نخست آن چه به ریشه ها و باورهای دینی می پردازد و دوم دانشی که در مورد شناخت وظایف دین داران است.

گرچه قرآن شامل بخش مهمی از معارف دینی است و کلیات وظایف را بیان کرده، ولی جامع همه ی مسائل نیست؛ به این معنا که معمولاً در تفصیل احکام سخنی نگفته و آن را به عهده ی پیامبر (ص) گذارده است. بنابراین، قرآن پژوه باید از دانش هایی که در زمینه های یاد شده به کمک بیانات پیامبر (ص) و امامان (ع) فراهم آمده است، و با دلایل عقلی مبرهن شده است، برخوردار شود.

دانشی که عهده دار بحث باورها و عقاید است، «کلام» نامیده می شود و دانشی که بیانگر فروع و وظایف است، «فقه» و سایر پیش نیازها، دانش هایی از قبیل: اصول فقه، فقه الحدیث، رجال و درایه هستند. ناآگاهی از این دانش ها، در واقع از دست دادن زمینه های فهم بایسته ی بخشی از قرآن است.

مهم ترین آسیبی که از این ناحیه، فهم قرآن را تهدید می کند، تطبیق و تحمیل داده های کلامی و فقهی بر قرآن است که نمونه های آن را می توان در تفسیرهای مذاهب منحرف مشاهده کرد.

د. دانش های تجربی: قرآن کتاب علوم تجربی نیست، بلکه برای هدایت مردم است و هرچه در این مسیر مفید بوده، در آن مطرح شده است. گرچه در زمان نزول سطح علم و آگاهی مردم آن قدر نبود که نکته های علمی این کتاب را به خوبی بفهمند، اما بعدها با رشد علوم، برخی از ابعاد اعجاز علمی قرآن آشکار شد.

در زمان های گذشته، برخی از مفسران آیات مربوط به آسمان های هفت گانه را بر افلاک نه گانه ی هیئت بطلمیوسی تطبیق داده بودند، اما با گذشت زمان و ابطال آن، نادرستی این فرضیه روشن شد و اساس آن فروریخت [مصباح، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۹].

بنابراین آگاهی از دانش های تجربی، گرچه به فهم

بخشی از قرآن که درباره‌ی پدیده‌های طبیعی است، کمک می‌کند، اما باید جانب احتیاط را نگه داشت و در تطبیق آیه‌ها بر داده‌های علوم تجربی، دقت لازم را به کار بست تا مطلبی بر قرآن تحمیل نشود.

۸. نقل‌های تاریخی

یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا در فهم صحیح آیات قرآن، نقل‌های تاریخی بی‌اساس است. کم‌تر پژوهشگری است که نداند تعدادی از تفاسیر گذشتگان، با خرافات و نقل‌های تاریخی آمیخته بوده است؛ نقل‌هایی که ریشه در پیش و اندیشه‌ی یهود دارند و هیچ مأخذ معتبر اسلامی برای آن‌ها نمی‌توان یافت. کافی است محورهای تاریخی چندی را هم‌چون: داستان آفرینش آسمان و زمین، خلقت آدم و سرگذشت انبیا که بستر روایات اسرائیلی است، در نظر بگیریم و سپس به بعضی از تفاسیر اسلامی هم‌چون: طبری، قرطبی و ثعالبی مراجعه کنیم تا دریابیم که نقل‌های تاریخی اسرائیلی، تا چه حد درون تفاسیر اسلامی رخنه کرده‌اند. برخی از تفاسیر اهل سنت، به لحاظ تکیه و استناد به آرای صحابه، بیش‌تر در معرض چنین ناهنجاری قرار گرفته‌اند.

خوش‌بختانه مفسران و قرآن‌پژوهان عصر حاضر و قرن اخیر، هریک به تناسب و اقتضای سبک و روشی که برگزیده‌اند، با تیغ جرح و تعدیل به نقد روایات اسرائیلی رفته و بر نقش منفی این روایت‌ها بر اندیشه‌ی مفسر و نیز تفسیر آیات، انگشت گذاشته‌اند.

۹. جمود فکری و تنگ‌نظری

فهم صحیح قرآن و مسائل دین نیازمند وسعت نظر، ژرف‌اندیشی و عقلانیت است. در مقابل، تنگ‌نظری و جمود آفت دین و فهم قرآن است. نگاهی به تاریخ اسلام، نقش شایان توجه این عامل را در رشد یا انحطاط مسلمانان نشان می‌دهد. فرقه‌های ظاهرگرا عمدتاً گرفتار این آفت فکری بوده‌اند.

خوارج، عبدالله بن جناب را به جرم این‌که با آنان هم‌عقیده نبود و حضرت علی (ع) را آگاه‌ترین مردم به خدا معرفی کرده بود، به شهادت رساندند. سپس همسرش را که حامله بود کشتند، شکم او را دریدند و فرزندش را سر بریدند. در این هنگام، یکی از خوارج دانه‌ای خرما را که بر

زمین افتاده بود، برداشت و در دهان گذاشت. دوستانش به او اعتراض کردند که چرا چنین کار حرامی را مرتکب شدی؟ [ابن اثیر، ۱۳۵۸ ق، ج ۳: ۳۴۲-۳۴۱].

این‌گونه افراد طبعاً قرآن را نیز با همان جمود فکری تفسیر می‌کردند. در میان عقیده‌ی غلات شیعه و اخباریان نیز، نمودهای این جمود فکری قابل ملاحظه است. غلات، مفهوم حب‌ائمه (ع) را بد تفسیر کردند و به دام شرک و کفر افتادند و اخباریان به خاطر بی‌توجهی به نقش زمان و مکان، در برداشت از مفاهیم قرآنی دچار رکود شدند.

۱۰. عدم دقت در کاربرد معنای واژه‌ها

بررسی کاربردهای قرآنی واژه‌ها اهمیت فراوان دارد. گاهی واژه‌ها معنایی محدودتر و یا گسترده‌تر از معنای اصلی دارند یا واژه‌ای که چندین معنا دارد، تنها یک معنای آن در قرآن اراده شده است. هم‌چنین واژه‌هایی هستند که چندین معنا دارند و در هر جایی یکی از معنای آن‌ها مورد نظر است. مثلاً واژه‌ی «هدی» در قرآن هجده معنا دارد و نباید آن را در سراسر قرآن به یک معنا دانست، بلکه با توجه به سیاق کلام، معنای مورد نظر روشن می‌شود [تفلیسی، ۱۳۹۶ ق: ۲۹۹-۲۹۵].

۱۱. غرور علمی و خودبرتربینی

در آیات قرآن، از بخل و تکبر به عنوان مهم‌ترین موانع معرفت‌شناسی نام برده شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق...» [اعراف / ۱۴۶]: کسانی که عمداً تکبر کنند و در برابر حق خضوع نداشته باشند، من قلب‌هایشان را از درک معارف دینی منصرف می‌کنم. سپس می‌فرماید: «... ثم انصرفوا فصرف الله قلوبهم...» [توبه / ۱۲۷]: چون به علت ضعف درونی، از آیات الهی روی گردان شدند، خداوند دل‌های آنان را از ادراک مفاهیم قرآن منصرف کرد. چنین گروهی نه قرآن را می‌فهمند و نه بر فرض فهمیدن از آن بهره‌مند می‌شوند. آنان همیشه در فکر متاع زودگذر هستند. قرآن کریم به همه‌ی انسان‌ها هشدار می‌دهد که اگر غرق در امور مادی باشید، جان پاک خود را در طبیعت دفن کرده و خسران دیده‌اید. اگر کسی عقل خود را در غرایز و اغراض طبیعی دفن کند، منبع الهام درونی و تشخیص حق و باطل و تقوا را دفن کرده است. بنابراین هیچ‌گاه نمی‌تواند

معارف بلند قرآن کریم را بفهمد [جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۶۵].

۱۲. علم توانایی قرآن کریمی

عدم توانایی قرآن پژوه و مفسر نسبت به مفاهیم قرآنی، آخرین عامل از عوامل انحراف از مسیر فهم قرآن محسوب می شود که در این نوشتار به آن ها اشاره شد.

توانایی قرآن پژوه و استنباط، یکی از مهم ترین شرایط فهم قرآن است. ممکن است کسی به تمام منابع مورد نیاز در تفسیر دسترسی داشته باشد، ولی توان بهره گیری مناسب از آن ها را نداشته باشد. زیرا پژوهش و برداشت از متون، مانند سایر حرفه ها به ممارست و تجربه ی فراوان نیاز دارد. چنین نیست که با دانستن این که فلان چیز منبع فهم است، راه فهم گشوده و درک صحیحی از آیه فراهم شود؛ درست مانند فردی که بخواهد نجاری کند، تمام امکانات در اختیار او باشد، اما در واقع نجار نباشد. بنابراین نمی توان از ابزارها و مواد اولیه ی نجاری به طور صحیح استفاده کند؛ مگر این که با به کارگیری درست ابزارها و مواد فراهم آمده و با نظرات استادی کار آزموده، روزگاری را در این حرفه سپری کند و پس از تجربه های مکرر، به کار آشنا شود.

قرآن پژوه باید به تدریج، با به کارگیری ابزارها و منابع فهم و انتخاب شیوه ی صحیح پژوهش، نیروی برداشت از قرآن را در خود تقویت کند و به جایی برسد که بتواند فرایند فهم آیات را به آسانی به دست آورد. بسیاری از کسان هستند که با حسن نیت در وادی فهم قرآن وارد شده اند، ولی ناکام مانده اند.

راکارها و پیشنهادها

راهبردهای زیر، به منظور رفع عوامل آسیب زا در فهم آیات نورانی قرآن کریم پیشنهاد می شوند. امید است که مورد توجه قرآن پژوهان و مربیان قرار گیرند. قرآن پژوه و مربی باید:

۱. با عنایت به این که قرآن به زبان عربی نازل شده است، علوم عربی از قبیل: صرف، نحو، لغت و بلاغت را به طور کامل فراگیرد؛ زیرا آموختن علوم مزبور، کلید ورود به گستره ی فهم قرآن کریم است.

۲. نسبت به فراگیری علوم قرآنی هم چون: شأن نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مطلق و مقید، و مکی و مدنی تلاشی وافر داشته باشند.

۳. منابع تفسیر را به طور کامل شناسایی کند. این منابع عبارت اند از: الف) خود قرآن کریم که مبین، شاهد و مفسر خویش است؛ ب) سنت معصومین (ع) که طبق حدیث متواتر نقلین، عترت طاهرین (ع) همتای قرآن است؛ ج) عقل برهانی که از گزند مغالطه ی وهم و از آسیب تخیل مصون است.

۴. اقسام تفسیر را شناسایی کند.

۵. از تفسیر به رأی و تطبیق آن با پیش فرض ها و اهداف خود بپرهیزد.

۶. برای پیدا کردن معانی واژه های قرآن، از منابع ضعیف استفاده نکند.

۷. متشابهات را بر محکومات عرضه کند؛ زیرا آیات محکم، مرجع آیات متشابه است.

۸. تاریخ نزول آیات را مدنظر قرار دهد.

۹. در کاربرد معانی واژه ها دقت کافی به خرج دهد؛ زیرا یک واژه ممکن است معانی متعددی داشته باشد.

۱۰. در آیات و سوره ها از حیث زمان و مکان نزول، افق نزول، مخاطبان، مصادیق نخستین و سیاق آیات، تفکر و تدبر کند.

۱۱. و بالاخره از ظهور و سیاق آیات در مجموع قرآن که ذوق، سلیقه و هوشیاری ویژه ای می طلبد، استفاده ی بهینه کند که بدون آن، حتی درک مفاهیم قرآن نیز مقدور نخواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. الکامل فی التاریخ. دار صادر للطباعة والنشر.
۳. بیروت. ۱۳۵۸ ق.
۳. بحرانی، سید هاشم. تفسیر البرهان. مؤسسه ی دارالتفسیر. ج ۱. ۱۴۱۷ ق. قم.
۴. تفسیری، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم. تفسیری. انتشارات حکمت. ۱۳۹۶ ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن. قم، نشر اسراء. ج ۱. قم. ۱۳۷۸.
۶. حداد عادل، غلام علی. دانش نامه ی جهان اسلام. تهران. بنیاد دایرة المعارف اسلامی. ج ۷. تهران. ۱۳۷۵.
۷. دشتی، محمد. ترجمه ی نهج البلاغه. مؤسسه ی انتشارات ائمه (ع). قم. ۱۳۷۹.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. نشر اسماعیلیان. ج ۳. قم. ۱۳۷۱.
۹. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. مؤسسه ی الوفاء. ج ۸۹. بیروت. ۱۴۰۳ ق.
۱۰. مصباح، محمد تقی. معارف قرآن. مؤسسه ی در راه حق. ج ۱. قم. ۱۳۶۷.